

بررسی مفهوم‌های خواست و نیاز انسان در روان‌شناسی و تأثیر آن‌ها بر معماری^۱

مریم اختیاری^۲

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز

کلیدواژگان: نیاز (نیازهای فیزیکی یا حفظ‌کننده انسان)، خواست (نیازهای معنوی یا سازنده انسان)، معماری.

چکیده

کیفیت و حتی کمیت شکل‌گیری یک فضا تنها زمانی به موجودیتی اصیل و پایدار می‌رسد که، به انسان توجه شود. در این صورت معماری، مکانی انسانی برای زیست می‌شود و ماندگاری آن نیز تضمین می‌گردد. در علوم مختلف تلاش‌های بسیاری در زمینه انسان‌گرا کردن محیط شده که در معماری از آن استفاده می‌گردد.

در این پژوهش بر بخشی از این علوم یعنی روان‌شناسی محیط به‌ویژه در بخش نیازهای انسانی تمرکز شده است تا از طریق آن بتوان رابطه‌ای صحیح برای طراحی و ارزیابی محیط به معماران عرضه کرد و به کیفیتی همه‌جانبه از انسان و خواست و نیاز او در فضا رسید. سال‌های بسیاری است که معماران سعی دارند نیاز انسان در فضا را بشناسند و آن را در معماری بروز دهند. به این منظور نظریه‌های مازلو در حیطه روان‌شناسی، راهبر بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه محیط و معماری و شهرسازی در تلاش برای دستیابی به کیفیتی انسانی بوده است. گرچه تئوری مازلو بنیاد نظریه‌های نیازهای انسانی است، اما روان‌شناسان در میان علوم امروز با نقد این نظریه و طرح نظریه‌های

دیگر، به پیشبرد کیفیت تعریف نیازها همت گمارده‌اند.

هدف در این پژوهش آن است که، با مرور ادبیات نیازها و خواست‌ها در حیطه روان‌شناسی، فهم دقیق‌تر عوامل انسانی شکل‌گیری فضا ممکن شود. به این منظور به شناخت نیاز و خواست در علم روان‌شناسی پرداخته می‌شود و سپس نتایج معمارانه مستخرج از این ادبیات ذکر می‌گردد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که، نیازها و خواست‌های انسان اموری تفکیک‌شده و مجزا نیستند و سیستمی یکپارچه در زندگی انسان بروز می‌دهند. معماری نیز زمانی به گونه‌ای کامل و جامع با انسان رابطه برقرار می‌کند که، سلسله‌مراتبی از همه نیازهای فیزیکی، روانی، روحی، و معنایی او در آن برآورده شود و میان معماری و انسان رابطه‌ای وجودی برقرار شود و معماری آینه تمام‌نمای انسان باشد.

مقدمه

امروزه درک اهمیت مفهوم نیازهای انسانی، برای شکل‌دهی به فضای زیستی، موجب شده است که، موضوع و رویکرد بسیاری از پژوهش‌های معماری بررسی مفهوم نیازهای انسانی و رابطه آن با فضای معماری باشد. پدیدار شدن رویکردهای روان‌شناسانه و محیط‌شناسی در

۱. این مقاله برگرفته از مباحث نظری رساله دکتری نگارنده تحت عنوان کیفیت تجلی همه‌جانبه خواست و نیاز انسانی در معماری است که، به راهنمایی دکتر مهدی حجت در پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در حال انجام است. به این وسیله از راهنمایی‌های ارزنده استاد محترم کمال تشکر و قدردانی را دارم.

۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
mekhtiari@ut.ac.ir

پرسش‌های تحقیق

۱. چگونه معماری کیفیتی انسانی می‌گیرد، به طوری که بتواند به گونه‌ای نیازهای گوناگون انسان را پاسخگو باشد؟

۲. نیازهای انسان چیست و نیازهای روحی و معنایی در انسان و معماری چه نقشی دارند؟

۳. چگونه شناخت معماری از نیازها می‌تواند کامل و همه‌جانبه باشد؟

پژوهش‌های معماری، شاهدهی بر این مدعا است. در روان‌شناسی انگیزش، نظریه‌ی نیاز و انگیزش بر بنیاد نظریه‌ی نیازهای مازلو^۳ شکل گرفته است. این پژوهش بر این باور شکل گرفته که، اگرچه نظریه‌ی نیازهای مازلو و گسترش آن در معماری، کیفیت پیوستگی کمیت‌های زیستی به فضای معماری را شکل داده و عواملی نیز برای تبیین این هماهنگی و پیوستگی عرضه کرده است، با این حال در این مقاله سعی می‌شود به بررسی نظریه‌هایی که پس از آزموده شدن این نظریه پدید آمده پرداخته شود، تا با کمک آن‌ها بتوان به شناخت کیفیت‌های فضایی و همخوانی آن با نیازهای مادی و معنوی دست پیدا کرد. از آنجا که پژوهش حاضر مبتنی بر این باور است که، شناخت کیفیت‌های فضایی با شناخت نیازهای معنایی انسان امکان‌پذیر است، بنا بر این برای حل مسئله‌ی معماری و شناخت کیفیت‌های معنایی انسان، مفهوم اعتباری جدیدی از نیاز، که همان خواست یا نیازهای معنایی است، به مفهوم نیازهای مادی افزوده شد تا با تعریف و تحلیل این دو در مبانی انسانی، بتوان به حل مسئله‌ی کیفیت‌های فضایی در معماری دست یافت. این مقاله بر این فرض استوار است که، خواست و نیاز از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر هستند و هر دو با هم کیفیت زیستی نیازهای انسان را سامان می‌دهند. به تعبیر دیگر، در معماری هم‌زمان با لحاظ نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای فرهنگی و معنایی انسان نیز شکل می‌گیرد. از این رو نگارنده درصدد برآمد تا با بیان و جمع‌بندی دستاوردهای روان‌شناسان در این زمینه و نمایش دیاگرام به عواملی برای طراحی معماری دست پیدا کند که، معماران علاوه بر آشنایی با مفاهیم نیاز بتوانند آن را نیز به خدمت گیرند. در عین حال این پژوهش تنها به بیان مبانی نظری مسئله‌ی پژوهش پرداخته است و شاید نیازمند آن باشد تا با کمک دانش زندگی، که در میان مردم قرار دارد، به بیانی دقیق‌تر از مسئله دست پیدا کند، به نظر نگارنده، عمده‌ضعفی که این پژوهش با آن روبه‌رو است، همین مطلب است و امید آنکه در پژوهش‌های بعدی واقعیت زندگی مردم نیز بررسی شود.^۴

۱. نیازهای معنایی یا «خواست» در نظریه‌های مربوط به نیاز در روان‌شناسی

نیازهای معنایی در علم نه‌تنها با کلمه‌ی خواست بیان نشده، بلکه در تعاریف علم روان‌شناسی امروز نیز با مفهوم نیاز عجین شده است. بنا بر این برای شناخت

3. A. H. Maslow (1954)

۴. چرا که اغلب دانش زیستی مردم حاکی از مطالبی است که پژوهشگران در مبانی نظری آن را کمتر دیده‌اند. میزان رفاه و آسایش فیزیکی و شادی روانی مردم گاه نیازمند همدلی است.

5. E.I. Deci & R.M. Ryan, "The 'What' and 'Why' of Goal Pursuits...", p. 228.

۶. اعظم رحیمی نیک، «تئوری‌های نیاز و انگیزش»، ص ۱۰.

7. Needs

8. Motivation

9. Self Determination Theory (SDT).

۱۰. نک:

Deci & Ryan, "The Empirical Exploration of Intrinsic Motivational Processes"; *Intrinsic Motivation and Self-determination in Human Behavior*; "A Motivation Approach to Self: Integration in Personality".

11. Deci & Ryan, "The 'What' and 'Why' of Goal Pursuits...", p. 230.

۱۲. چنان‌که افرادی، چون هیتلر و چنگیز، زمانی که خواستشان ارضا نشد، به از بین بردن سرزمینی همت گماشتند.

۱۳. گاهی نیز افرادی به خاطر ارزش انجام یک کار، بدون در نظر گرفتن دیگران، حاضرند همه افراد را قربانی کنند.

14. *ibid*, p. 231.

15. *ibid*, p. 230.

16. Burrhus Frederic Skinner (1904– 1990)

17. B.F. Skinner, *Science and Human Behavior*, p. 80

۱۸. نظریه ERG

19. Desire

20. Preference

21. Want

ساختار عمیقی از روان انسان دنبال می‌شود که، به فطرت و ظرفیت زیستی در طی راه ارتباط و اتصال دارد. همچنین مطابق این نظریه انسان‌ها تمایل دارند اهداف، حوزه‌ها و روابطی را برای ارضای نیازهایشان به دست آورند.^{۱۵}

نظریه‌پردازانی نیز در علم روان‌شناسی مفهوم نیازهای معنایی یا خواست را یک حقیقت علمی شناخته و سعی کرده‌اند آن را تعریف و تبیین کنند. چنانچه اسکینر^{۱۶} نیازهای روحی را بازساخت و اذعان داشت که، عملکرد انگیزه‌های روحی به تشویق بستگی ندارد، زیرا انجام آن کار به خودی خود برای فرد جایزه به حساب می‌آید. او این انگیزش‌ها را همان نیازهای روحی- روانی می‌داند.^{۱۷}

آلدرفر نظریه‌پرداز دیگری است که خواست را مفهومی علمی در ساختار پژوهشی خود معرفی و بیان می‌کند. او در تحقیق خود^{۱۸} نیازهای معنایی را با واژه‌های^{۱۹} بیان می‌دارد، او این واژه را مترادف با ترجیحات^{۲۰}، خواسته^{۲۱}، قدرت نیاز^{۲۲}، و قدرت انگیزش^{۲۳} قلمداد می‌کند.^{۲۴}

فردریک هرزبرگ^{۲۵} نیز نیازها را به دو دسته تقسیم می‌کند: نیازهای زیستی که اجتناب از درد و محرومیت است و نیازهای انسانی که برای رشد روانی لازم است.^{۲۶}

هنری الکساندر ماری^{۲۷} نظریه‌پرداز دیگری است که، نیازهای معنایی را در تئوری خود بیان می‌دارد و آن را بر اساس آزمون نظریه مازلو شکل داده است. به زعم وی، نیازهای ما دو دسته‌اند: حفظ‌کننده^{۲۸} و سازنده.^{۲۹} او بر این باور است که، هدف از تعادل حیاتی که در نتیجه رفع نیازهای حفظ‌کننده حاصل می‌شود، حفظ موجود زنده است و زندگی حیوانی را تأمین می‌کند. انسان برخلاف حیوان به وضع موجود قانع نیست، بلکه در زندگی خواهان محرک، چاشنی، و پیشرفت است، از این رو خواه و ناخواه برای خود نیازهای تازه، که سازنده نیز هستند، ایجاد می‌کند. در این حالت دچار تنبیدی می‌شود و آنگاه برای رفع آن تنبیدی به کوشش و تکاپو می‌پردازد.^{۳۰} بنا بر نظریه

دقیق مفهوم خواست لازم است تاریخچه‌ای از مفهوم نیاز مشخص و به دنبال آن چگونگی شکل‌گیری نیازهای معنایی در علوم روان‌شناسی تبیین شود.

واژه نیاز و ایده آن ابتدا به ترتیب در مباحث روان‌شناسی اوایل دهه ۱۹۳۰ و در روان‌شناسی تجربی برای سازمان‌دهی مطالعات انگیزش به کار گرفته شد.^۵ در حقیقت، منظور از آن متغیری بود که رفتار خاصی را در فرد برمی‌انگیخت. در این مطالعات، نیاز در محیط فرهنگی، اجتماعی، و اقلیمی به صورت نیازهای معنایی یا خواست متجلی می‌شود.^۶ به همین دلیل در پاره‌ای از نوشته‌ها نیاز^۷ را با انگیزه^۸، خواست، تمایل، و آرزو مترادف دانسته‌اند.

پس از بررسی مفاهیم نیاز در علوم روان‌شناسی، در تئوری خود-تصمیمی^۹ نیازهای معنایی در قالب مفهوم نیاز در علم بیان شد.^{۱۰} در دیدگاه این تئوری بین هدف‌ها یا دستاوردها و روند نظارتی، که دستاوردها دنبال می‌کنند، تفاوت است و تمایز محتوا و روش مهم قلمداد می‌شود، یعنی انگیزش یا همان روش با خواست و نیاز متفاوت است. بر اساس تئوری خود-تصمیمی، نیازها نیز با خواست‌ها تفاوت دارند. این تئوری مبتنی بر این باور است که، اگر نیازهای فیزیولوژیکی ارضا نشوند، انسان هر راه دیگری را برای ارضای آن دنبال می‌کند، اما اگر خواست ارضا نشود شخص اصرار دارد تا به همان صورتی که می‌خواهد، آن را به دست آورد.^{۱۱} بنا بر این خطر برآورده نشدن خواست بسیار بیشتر از نیاز است.^{۱۲} در این نظریه اذعان می‌دارند که، گرچه بسیاری رفتارها برای ارضای نیازهای اساسی است، اما بدان معنی نیست که تجربیات انسان‌ها تنها برای ارضای نیازهای معقولشان باشد، بلکه آن‌ها ممکن است کاری انجام دهند که برایشان جالب و یا ارزشمند باشد،^{۱۳} در ضمن در یک رفتار و فعالیت، هیجان (انگیزش درونی و ذاتی) و ارزش (انگیزش‌های بیرونی / درونی‌شده) تأثیرگذارند.^{۱۴}

در تئوری خود-تصمیمی، در نیازهای روانی، ذاتی و فطری،

این رفتارها با نتایج و اهداف مورد درخواست جهت می‌گیرند. تحقیق لوین (۱۹۳۶) و تولمن (۱۹۳۲) آغازی بود برای نسبت دادن ارزش‌های روان‌شناسی مردم به هدف‌ها و مقاصدشان^{۳۵}، انتظار مردم برای رسیدن به اهداف^{۳۶}، و روشی که مردم به سمت اهداف انتخابی خودشان گام برمی‌دارند.^{۳۷}

علاوه بر این، کریچر و دونت نیز در مدل خود از نیازها، بیان می‌دارند که، نیازها و خواست‌ها و انتظارات هر دو با هم رفتار را تعیین می‌کنند. هر فردی در هر زمان ممکن است نیازها، خواسته‌ها و انتظارات متعددی داشته باشد که پیچیدگی مدل نیازها نیز به همین دلیل است.^{۳۸}

دکتر کیت دیویس، روان‌شناس اجتماعی، نیز نیازها را به دو بخش احتیاجات بنیادی فیزیولوژی یا نیازهای اولیه و احتیاجات اجتماعی و روانی یا نیازهای ثانویه تقسیم کرده است و اعتقاد دارد این نوع تقسیم‌بندی‌ها فقط در بحث و گفتگو پیرامون احتیاجات و نیازها قابل قبول است، در حالی که این نیازها از یکدیگر قابل تفکیک نیستند. او دلیل این مدعا را اثربخشی حالت و وضع فیزیکی بر وضعیت روحی و عکس این قضیه می‌داند.^{۳۹}

تا اینجا درمی‌یابیم که مفهوم و تعریف نیاز در تاریخ روان‌شناسی در کنار مفاهیم دیگری چون ترجیحات، وضعیت روحی، ارزش‌ها، مقاصد، و خواست‌ها ذکر شده و این خود شاهدهی بر این مدعاست که در بیان مفاهیم نیاز نیز وجهی از موجودیت‌های معنوی همواره حضور داشته و این وجه هرگز در این تعاریف حذف نشده است. این خود بیان این است که، همواره مفهوم نیازهای معنایی در تعریف نیازها موجودیتی پنهان بوده است.

بر همین اساس است که، به نظر روان‌شناسان تعریف کامل نیازها بیان هنری الکساندر ماری است. وی نیاز را این طور تعریف کرده است:

نیروی که از ذهنیات و ادراک آدمی سرچشمه می‌گیرد و اندیشه

فوق، نیازهای سازنده همواره انسان را دچار تنیدگی می‌کند و اگر این تنیدگی در انسان بیش از حد باشد، در زندگی او نه تنها سازندگی پیش نمی‌آید، بلکه تخریب نیز صورت می‌گیرد.^{۴۱} همچنین مطابق بیان ماری، از آنجا که نیازها غالباً دو به دو با هم تعارض دارند و نمی‌توانند با هم برآورده شوند، در نتیجه ایجاد تنیدگی می‌کنند. البته گاه دو یا چند نیاز با هم آمیخته و ترکیب می‌شوند و عملی را برمی‌انگیزند که، نتیجه آن آمیختگی و ترکیب است.^{۴۲}

ماری در نظریه‌اش به نیازهای معنوی انسان اشاره دارد. در ضمن انگیزش یا تنیدگی را موجودیت دیگری در نیاز انسان ذکر می‌کند. در نظریه او هر فرد می‌تواند در یک زمان نیازهای بالا و ضعیف را با هم داشته باشد، در حالی که مازلو بر اساس طبقه‌بندی خود افراد را در هر زمان در یک طبقه قرار می‌دهد.^{۴۳} بنا بر این با توجه به مباحث مطروحه می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که، نیازهای معنایی یا خواست همواره در تئوری‌های نیاز حضور داشته است. به علاوه این مفهوم از نیاز در سلسله‌مراتبی از مفاهیم نیازهای انسانی شناخته شده که خود می‌تواند موجودیتی باشد تا پیوستگی نیازها را بدان‌ها بازگرداند.

۲. نگاهی مجدد به مفهوم نیاز

برای فهم بهتر مفاهیم نیاز و خواست، لازم است مفهوم نیاز با موشکافی عمیق‌تری در علوم بررسی شود. این کار به پژوهش کمک می‌کند و سبب می‌شود اتصال این دو مفهوم را بهتر بشناسیم و دریابیم که در تعاریف نیازهای اولیه انسان نیز وجوهی از مفهوم نیازهای معنوی حضور دارد. در زیر به بیان پاره‌ای مفاهیم از این دست می‌پردازیم.

در بسیاری از تئوری‌های معاصر، که از انگیزش^{۴۴} سخن می‌گویند، نیاز قابلیت است که، در کنار باورها و خواست‌ها و ترجیحات معنا پیدا می‌کند. در این نظریه‌ها انگیزش انسان، رفتارها را در جهتی و به اندازه‌ای که باور دارند سوق می‌دهد.

22. need strenght
23. motive strenght
24. C.P.Alderfer, "An Empirical Test of a New Theory of Human Needs", p. 144; "Existence, Relatedness, and Growth: Human Needs in Organizational Settings", p. 8.

25. Frederick Irving Herzberg (1923 – 2000)
26. Herzberg, "One more time: how do you motivate employees?", p. 55.

27. Henry Alexander Murray (1893 – 1988)

28. Conservative needs systems

29. Constructive needs systems

30. Henry Alexander Murray, *Explorations in Personality: A Clinical and Experimental Study of fifty Men of College Age*, p. 120.

۳۱. این ناهماهنگی در تأمین نیازها، می‌تواند در معنایی به مفهوم گسترش بیش از حد نیاز و در نتیجه سرطان زیستی انسان شود.

۳۲. علی‌اکبر سیاسی، نظریه‌های مربوط به شخصیت، ص ۵۴ و ۵۵.

۳۳. عبدالله جاسبی، اصول مدیریت، ص ۲۰۴.

34. motivation

۳۵. به طور مثال:

T. Kasser & R.M. Ryan, *Further Examining the American Dream*; V.H. Vroom, *Work and Motivation*



یک مرجع شناخت نیاز حایز اهمیت است و در علم معماری توجه عملکردگرایان را برانگیخته است. از این رو به تشریح این نظریه و طرح نقدها و نظریه‌هایی می‌پردازیم که، با آزمون این نظریه پدیدار شده است. پس از آن نظریه‌های میدانی بیان می‌شود، چرا که نظریه‌های مذکور به گونه‌ای جامع‌تر توانسته‌اند نظریه‌های کاربردی نیاز را گردآوری کنند و به سبب پایه مفهومی آن‌ها، فرم‌گرایان در معماری به آن توجه کرده‌اند. بنا بر این با بیان این دو نظریه می‌توان از سویی دیگر به شناخت کیفیت همه‌جانبه و کلی نیازها و خواست‌ها و به تبع آن، عملکرد و فرم دست یافت.

و عمل را چنان تنظیم می‌کند که فرد به انجام رفتاری می‌پردازد تا وضع نامطلوبی را در جهتی معین تغییر دهد و حالت نارضایتی را به رضایت و ارضای نیاز تبدیل کند.^{۴۰}

در اینجا نیز به خوبی مشهود است تعریف نیاز از دید روان‌شناسان، به تعبیری آمیزه‌ای از مفهوم خواست و نیاز است و هر دو مفاهیم خواست و نیاز را با هم در بر دارد. بنا بر این شاید بتوان چنین ذکر کرد که، در تمام مسیر علم روان‌شناسی، مفهوم خواست در دل تعریف نیاز نهفته بوده است.

۳. خواست و نیاز در نظریه‌های روان‌شناسی

از مطالب پیشین و بررسی نظریه‌های روان‌شناسان می‌توان چنین استنباط کرد که، هر دو مفهوم خواست و نیاز وجوه مشترکی دارند. به بیان دیگر، این دو مفهوم در امتداد یکدیگر قرار دارند. هر دو این مفاهیم هم می‌توانند به ارتقای انسان کمک کنند و هم نقش مخربی داشته باشند. هر کدام از حد بگذرد، نیکی خود را از دست می‌دهد و به یک مفهوم مخرب بدل می‌شود که تنش زیستی شدیدی پدید می‌آورد و زیست هماهنگ انسان را از بین می‌برد و تخریب می‌کند.

اما نکته قابل ذکر دیگر آن است که برای اثبات دقیق این مفهوم به شناخت تحقیق‌های واقعی در راستای پژوهش‌های علمی و کاربردی نیازمندیم. در این بخش از مقاله سعی بر این است که، به طور نمونه به بررسی چند تئوری کلیدی از این دست بپردازیم تا مفاهیم پژوهش به گونه‌ای دیگر اثبات شود. همان‌گونه که می‌دانیم بر این مبنا تئوری‌های زیادی در خصوص نیاز مطرح هست و از آن جمله می‌توان نظریه مازلو و نظریه‌های میدانی را بیان کرد که، بر پایه جامعه آماری بنیان نهاده شده است و شاید یکی از دلایل مقبولیت این نظریه‌ها همین نوع و روش پژوهش آن‌ها باشد.

دلیل دیگری که این دو نظریه نمودی از نظریه‌های کاربردی بیان شده آن است که، نظریه مازلو در علوم معماری

۳.۱. نظریه ابراهام هارولد مازلو و شارحان و منتقدانش

در اینجا به شرح مختصری از نظریه مازلو می‌پردازیم و سپس با بیان پژوهش‌ها و آزمون‌های انجام‌شده بر روی این نظریه، به جمع‌بندی دقیق‌تری از نظریه مازلو دست می‌یابیم.

۳.۱.۱. نظریه مازلو

آبراهام مازلو تحقیق بالارزشی در زمینه انگیزه انسانی کرده است، نظریه او کلیدی در شناخت نیازها و در واقع شاه‌کلید شروع پرداخت به مفاهیم نیاز و خواست در دنیای علم است، به گونه‌ای که معارف مربوط به این علم پس از مازلو و با آزمون نظریه مازلو گسترش یافته است. در ضمن این نظریه برای نظم دادن به عملکرد در معماری استفاده شده است. به همین دلایل این نظریه اهمیت شایانی دارد. زمانی که همه مدیران به انسان اقتصادی معتقد بودند و تنها نیازهای مادی را در فرد می‌دیدند، مازلو آن‌ها را متوجه عوامل و نیازهای غیرمادی دیگری کرد که، به‌خوبی می‌توانستند مانند عوامل مادی در کارایی افراد مؤثر باشند. به نظر او درست است که، انسان نیاز به غذا دارد، اما آدمی تنها برای غذا زندگی نمی‌کند. فرد باید برای کار و تلاش انگیزه شود و این انگیزش با وجود و طبیعت انسان درآمیخته است. او نیازها را

۳۶. به طور مثال:

L.Y. Abramson & M.E.P. Seligman & J.D. Teasdale, "Learned Helplessness in Humans: Critique and Reformulation"; A. Bandura "Human Agency in Social Cognitive Theory"; J. Rotter, "Generalized Expectancies for Internal Versus External Control of Reinforcement".

۳۷. به طور مثال:

C.S. Carver & M.F. Scheier, "The American Dream revisited: Is It What you Want or Why you Want it was Matter?".

۳۸. نک:

Wayne K. Kirchner & Marvin D. Dunnette, *Psychology Applied to Industry; Psicología Industrial* 39. K. Davis, *Human Behavior at Work*, p. 22. 40. C.S. Hall & G. Lindzey, *Theories of Personality*, p. 172; H. A. Murray, *Explorations in Personality*, p. 123-124.

که، بالاترین سطح از برترین نیاز را، که همان تحقق ذات است، بیان می‌دارد.^{۳۴} اما با این همه، بسیاری محققان با آزمایش نظریه مازلو^{۳۵}، سه گونه نقد را به این نظریه وارد کردند.

۳. ۱. ۲. نقد مادی بودن نیازها

در این زمینه، برخی از نظریه‌پردازان، مادی بودن نظریه مازلو را به چالش کشیده‌اند و بر این باور هستند که مازلو اهمیت نیازهای جسمانی و مادی را بسیار زیاد کرده، چنان که نیازهای روانی و روحی انسان کم‌اهمیت شده یا به یک متغیر وابسته به ارضای نیازهای مادی بدل شده است. این در حالی است که قسمتی از نیازهای آدمی، مانند رشد جنسی و نیاز به آب، تابع وضع فیزیولوژیکی انسان است، اما در این میان به عقیده روان‌شناسان اجتماعی دستگاه عصبی مرکزی و مغز نیز نقش عمده‌ای دارند. آن‌ها معتقدند انسان اجتماعی گاه با وجود گرسنگی دست به اعتصاب غذا می‌زند، روزه می‌گیرد و با توجه به نیازهای اجتماعی و فردی، نیازهای خود را مهار و شاید در آن حال نیازهای دیگر را ارضا می‌کند.^{۳۶}

در این زمینه هارولد لیویت^{۳۷} بیان می‌دارد که، نیازهای روانی در بعضی‌ها به صورتی شدید هست و در بعضی به هیچ‌وجه نیست. علاوه بر این، او هرگز انسان را جستجوگر نان نمی‌نامد، بعضی را قدرت‌طلب و دیگری را اعتبارطلب قلمداد می‌کند. به نظر او در حقیقت قضاوت در مورد افراد، مربوط به قضاوتی درباره دامنه نیازهای روانی آن‌ها است و اختلافات اساسی انسان‌ها بر پایه میزان و دامنه چنین نیازهایی قرار دارد.^{۳۸} این نقدها این مطلب را به اثبات می‌رسانند که در کنار نیاز یا نیازهای جسمانی مفهوم خواست یا نیازهای روحی - روانی نیز بخشی از نیاز انسان است که همزمان با نیازهای جسمانی در انسان وجود دارند. در این زمینه تامسون، گریس و کوهن^{۳۹} در تحقیقاتی ثابت کردند از مهم‌ترین نیازهای کودکان نیاز به تحقق

در انسان‌های جهان مشترک می‌داند. به نظر او نیازهای نهایی و اساسی همه انسان‌ها به اندازه اختلاف نیازهای آگاهانه روزمره آن‌ها با هم متفاوت نیستند. دلیل اصلی این است که، دو فرهنگ متفاوت ممکن است از دو راه کاملاً متفاوت، موجبات ارضای نیازی خاص، مثلاً عزت نفس را فراهم آورند.^{۴۱} همین اعتقاد او موجب شده مازلو یک دستگاه سلسله‌مراتبی احتیاجات انسانی را بیان کند که، مبتنی بر دو گروه‌بندی نیازهای اولیه و نیازهای رشد است. او بر این باور است که نیازهای مراتب پایین‌تر باید برآورده شوند تا انسان بتواند به نیازهای سطح بالاتر حرکت کند. او نیازهای اولیه را در چهار سطح تقسیم‌بندی می‌کند:

۱. نیازهای فیزیولوژیکی: گرسنگی، تشنگی... و راحتی‌های بدنی؛
 ۲. نیازهای ایمنی / امنیت: دور از خطر؛
 ۳. نیازهای عشق و تعلق: به دیگران وابسته بودن و پذیرفته شدن؛
 ۴. نیازهای احترام: شهرت و افتخار، برتری، معروفیت، توجه، اهمیت، حرمت و یا تحسین.
- او نیازهای رشد را نیز در چهار سطح بیان کرد:
۵. نیازهای شناختی: دانستن، فهمیدن، و اکتشاف؛
 ۶. زیبایی: تقارن، سبک، و زیبایی؛
 ۷. خودشکوفایی: یافتن خود برای تحقق‌پذیری و درک استعداد خویشتن؛
 ۸. تعالی خود: اتصال به ماورای خود و یا کمک به دیگران، یافتن و تحقق‌پذیری خود و شناخت استعدادها.^{۴۲}

همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد به نظر بسیاری از پژوهشگران از جمله هویت، طبقه‌بندی مازلو علی‌رغم انتقادات از نظر تحقیقات علمی، عملی‌ترین طبقه‌بندی نیازها است.^{۴۳} به همین دلیل این نظریه‌ای اساسی در پژوهش‌های معماری است. همچنین شاید یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این نظریه در مطالعه رفتار انسانی، انگیزه، و نتیجه‌گیری نهایی مازلو باشد

۴۱. آبراهام مازلو، انگیزش و شخصیت، ص ۹۴.

42. W. Huitt, *Maslow's Hierarchy of Needs*, pp. 1-2.

43. Ibid, p. 3.

44. M. Daniels. *Maslow's Concept of Self-actualization*, p. 2.

۴۵. نک:

E.E. Lawer, *Motivation in Work Organizations*; E.E. Lawer & J.L. Suttle, "A Casual Correlation Test of Need Hierarchy Concept"; Alderfer, "An Empirical Test of a New Theory of Human Needs, Organizational Behavior and Human Performance"; F. Herzberg & B. Mausner & B. Snyderman, *The Motivation to Work*; M.A. Wahba & L.G. Bridwell, "Maslow Reconsidered: A Review of Research on the Need Hierarchy Theory"; J.M. Ivancevich, "Perceived Need Satisfaction of Domestic Versus Overseas Managers"; Thomas Li-Ping Tang & W.B. West & A.H.S. Ibrahim, "The Importance of human Needs During Peacetime, Retrospective Peacetime, and the Persian Gulf War".

۴۶. دیوید کرج و ریچارد اس. کراچفیلد و اجرتون ال. بلاکی. فرد در اجتماع، ص ۵۰.

47. Harold J. Leavitt

(1922-2007),

متخصص روان‌شناسی و رفتار
سازمان یافته.

۴۸. نک:

H. Leavitt, *Managerial
Psychology*

۴۹. نک:

Michael Thompson &
Lawrence J. Cohen &

Catherine O'Neill Grace.

*Best Friends, Worst Enemies:
Understanding the Social
Lives of Children.*50. Dr. C. George Boeree
(born in 1952)51. C.G. Boeree, *Abraham
Maslow: 1908-1970*, p. 1.۵۲. دکتر بوری معتقد است که مازلو
در زمان بیان نظریه‌اش، به دلیل
اینکه نظریه او محکوم به غیرعلمی
بودن می‌شده، نمی‌توانسته این‌گونه
نیاز را مطرح کند.

53. Deci & Ryan, A

*Motivation Approach to Self:
Integration in Personality*,
p. 239.54. N. Nohria & P. Lawrence
& E. Wilson. *Driven: How
Human Nature Shapes our
Choices*, p. 270.ت ۱. در این تصویر بوری سطح
دیگری از نیازهای انسان را، که
همان نیازهای روحانی است، به
عنوان موجودیتی جدایی‌ناپذیر از
نیازهای انسان بیان کرده است.
مأخذ: Boeree 2005.

شایستگی، و نیاز به وابستگی و ارتباط را پیشنهاد می‌کنند، اگرچه
به نظر آن‌ها لزوماً این نیازها هر می و سلسله‌مراتبی نیستند.^{۵۳}
نوهیرا، لارنس، و «ویلسون مدارکی از تئوری اجتماعی انگیزش
مطرح می‌کنند که، چهار نیاز اساسی بشر شامل:

۱. به دست آوردن مقاصد و تجربه‌ها؛
۲. پیوستگی و ارتباط بلندمدت با دیگران همراه با توجه و
تعهد دوطرفه؛
۳. آموختن و احساس کردن دنیا و خویشتن؛ و
۴. محافظت از خویشتن، علایقمان، عقاید، و منابعمان در
برابر آزارها.^{۵۴}

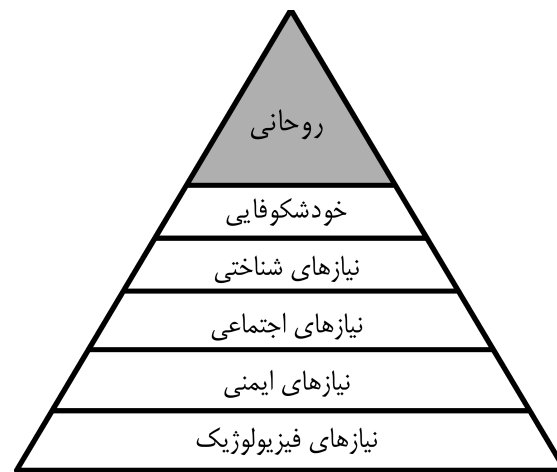
ویلیام جیمز نیازها را در سه سطح می‌شناسد: نیازهای جسمانی
(فیزیولوژیکی و ایمنی) نیازهای اجتماعی (تعلق و احترام) و
نیازهای روحانی.^{۵۵} همچنین ماتس سه سطح را چنین بیان
می‌کند: نیازهای فیزیولوژیکی، تعلق، و تحقق ذات؛ او نیازهای
ایمنی و احترام را توجیه‌نشدنی می‌داند.^{۵۶}

چنین به نظر می‌رسد که، نیاز به پیوند و وابستگی^{۵۷} در
همه نظریه‌ها جزء نیازهای اساسی است. بنا بر این آنچه در
تقسیم‌بندی نظریه نیازها بیشتر مورد توافق نظریه‌پردازان است،
وجود دو سطح اساسی نیازها شامل نیازهای جسمانی و روانی
و یا سه سطح شامل نیازهای جسمانی، تعلق و اجتماع‌پذیری، و
نیازهای روانی است. بنا بر این نظریه سه سطحی «ای آر جی»^{۵۸}
آلدر فر جمع‌بندی صحیحی از سطوح نیازها است.^{۵۹}

۳.۱.۴. نقد سلسله‌مراتب نیازها

در تئوری‌های دیگری روند سلسله‌مراتبی نیازهای مازلو و
وابستگی انگیزش‌ها به ارضای نیازها نقد شده است. در نظریه
مازلو اهمیت یک نیاز یا نیروی انگیزشی آن متغیر وابسته
است و ارضای نیاز، متغیر مستقل به شمار می‌آید و در صورتی
که ارضای نیاز صورت گیرد یا نگیرد، خواست کم و زیاد
می‌شود.^{۶۰}

خود و ایجاد ارتباط، شناخت و قدرت است که ظاهراً در هرم مازلو
در مراتب بالای نیازها پس از ارضای دیگر نیازها قرار دارد. نتیجه
و جمع‌بندی این نظریه‌ها در پژوهش دکتر بوری^{۶۰} مشهود است.
او بر روی نیازهای مازلو تحقیقات بسیاری انجام داد و بر این باور
است که هرم مازلو نیازهای معنوی و روحانی را نادیده گرفته
است. او می‌گوید: «من نمی‌دانم که، نیازهای معنوی را در کجای
هرم مازلو قرار دهم، چرا که این نوع نیاز می‌تواند در تمام سطوح
نیازهای مازلو حضور داشته باشد».^{۶۱} همچنین اذعان می‌دارد تنها
برای بیان مطلب، این نیاز را در بالای هرم مازلو برای تذکر،
به دلیل اهمیت آن، قرار داده است، وگرنه در واقع این رنگ
خاکستری باید در کنار هرم مازلو و در امتداد نیازها قرار گیرد.^{۶۲}



۳.۱.۳. نقد دسته بندی نیازها

در برخی نقدها نه تنها دسته‌بندی نیازها نادرست دانسته شده،
بلکه آن‌ها به دسته‌های متفاوتی نیز تقسیم گردیده است. در
این موضع، اکثر نظریه‌پردازان درباره شناسایی نیازهای اساسی
انسان و چگونگی سامان و نظام آن‌ها به یک توافق حداقلی
رسیده‌اند. به طور مثال، دسی و رایان سه نیاز احتیاج به استقلال،

۵۵. نک:

William James, *Text-book of Psychology*56. Eugene W. Mathes, *From Survival to the Universe: Values and Psychological Well-Being*, p. 9.

57. Relatedness

58. Existence, Relatedness, Growth

۵۹. نک:

C.P. Alderfer, "Existence, Relatedness, and Growth: Human Needs in Organizational Settings".

60. John P. Wanous & Abram Zwan, "A Cross-Sectional Test of Need Hierarchy Theory". p. 81.

61. Otto Klineberg (1899 - 1992)

۶۲. اعظم رحیمی نیک، *تئوری‌های نیاز و انگیزش*، ص ۴۶.

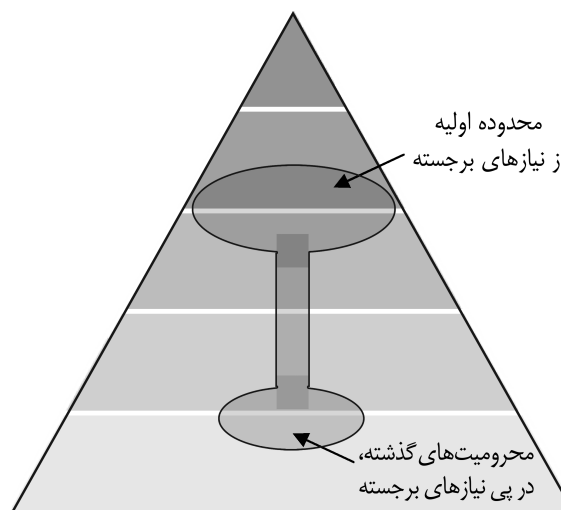
۶۳. نک:

Otto Klineberg, *Social Psychology*.۶۴. Boeree, *ibid*.

ت ۲. نمودار ارتباط متقابل نیازهای سطح بالا و پایین؛ در این تصویر دکتر بوری بیان می‌نماید که موجودیتی متعالی که در سطوح تعالی پدیدار می‌شود ریشه در موجودیتی متعالی در گذشته زیستی نیازهای انسان دارد و اتصال بین مادیت و معنای نیازها را در این تصویر بیان می‌کند. مأخذ: Boeree 2009.

مازلو معتقد به رابطه ارضای نیازهای سطح پایین با رستن به نیازهای سطح بالا است. او نیازهای سطح پایین را با نیازهای سطح بالا در ارتباط می‌داند. اتوکلاين-برگ^{۶۱} به تأثیر متقابل نیازها بر هم و به‌ویژه تأثیر نیازهای سطح بالا بر نیازهای سطح پایین باور دارد.^{۶۲} به اعتقاد او، گرچه عوامل اجتماعی در ظهور نیازهایی مؤثر هستند، که اساس فیزیولوژیکی دارند، اما موجبات وجود آنها را فراهم نمی‌کند. در برخی از این نیازها همچون انگیزه جنسی، رفتار پس از مادر شدن و... نه تنها عوامل اجتماعی موجب ابراز آنها نیست بلکه در برخی مواقع مانع ظهور آنها نیز می‌شود.^{۶۳} این نظر را دکتر بوری نیز دارد؛ او در توسعه و گسترش هرم مازلو، نموداری ترسیم کرده و ارتباط متقابل نیازهای سطح بالا و نیازهای سطح پایین را در آن جای داده است.^{۶۴}

تحقیق آلدرفر نیز نشان داد که این رابطه معکوسی هم دارد، چنانچه این ارتباط از بالا به پایین نیز در هرم مازلو بود. او می‌گوید برای کسی که نیازهای تعلقش ارضا نشده، نیازهای فیزیکی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و یا معتقد است اهمیت نیاز رشد و تعلق می‌تواند با ارضا شدن بیشتر شود.^{۶۵}



کلارک^{۶۶} و هال^{۶۷} با آزمایش نظریه مازلو نشان دادند که، سلسله‌مراتب نیازها در نظریه مازلو نادرست است. بنا بر این نظریه ارضای نیاز، انگیزه نیست.^{۶۸} و نیازهای سطح بالا نسبت به نیازهای سطح پایین، بیشتر با شدت نیاز^{۶۹} همبسته هستند. به نظر بسیاری از نظریه‌پردازان تسلط نیاز بر انسان^{۷۰} گاه به خواست برای نیازی خاص^{۷۱}، گاه به اهمیت آن نیاز برای اشخاص و افراد^{۷۲}، و گاه به شدت نیازها^{۷۳} برمی‌گردد، اما به ارضای نیاز پایین‌تر همبسته نیست. به نظر خود مازلو نیز درصد ارضای هر نیاز با انتظارات افراد رابطه مستقیم دارد.^{۷۵}

نظریه آلدرفر رابطه سطوح نیازها را در نظریه مازلو با آزمونی علمی به چالش کشیده و نظریه جدیدی بر اساس آن پدید آورده است. آلدرفر در پژوهش خود به دنبال توسعه و آزمایش نظریه مازلو است و فرضیه کمبودها را مشکلی در نظریه مازلو می‌داند و سعی در حل آن دارد. او در پی یافتن ارتباط ارضای نیازها با قدرت خواست‌ها است و به این منظور تئوری خود یا همان نظریه «ای آر جی» را اظهار می‌دارد. این تئوری رابطه بین ارضای نیاز و خواست را بررسی می‌کند.^{۷۶} او در تحقیق خود ثابت می‌کند ارضای نیازهای سطح پایین، پیش‌نیازی برای به دست آوردن نیازهای بالاتر نیست. همچنین این مطلب را بیان می‌دارد که، زیر فشار قراردادن نیازهای سطح بالا، قدرت و شدت نیازهای پایین‌تر را کاهش می‌دهد.

آلدرفر معتقد است که، نظریه مازلو به طور غیرمستقیم این معنی را در خود دارد که، ارضای نیازها خواست را در آن سطح کاهش می‌دهد.^{۷۷} این معنی از آنجا نشأت می‌گیرد که از دید مازلو، کمبود در هر نیازی، افزایش خواست را نتیجه می‌دهد و ارضای نیاز، کاهش خواست را ایجاد می‌کند. به نظر آلدرفر، پیامد ارضای برخی نیازها چون نیاز تعلق همیشه مثبت نیست. گاه ارتباط با دیگران پیامدی چون عداوت و خشم را در بردارد. اما مخالف ارضای نیاز ارتباط، احتیاج به خشم نیست، بلکه احساس دوری و نبود ارتباط است. با این بیان او اعلام می‌کند

65. Alderfer, *ibid*, p. 43.

نک: ۶۶

Clark, "Motivation in Work Groups: A Tentative View".

نک: ۶۷

D.T. Hall & K.E. Nougaim, "An Examination of Maslow's Need Hierarchy in an Organizational Setting".
68. A Satisfied need is not a motivation

69. intensity

نک: ۷۰

Abraham Harold Maslow, *Organizaciones tema 4: la Motivación en el Trabajo*.
Alderfer, *ibid*: نک: ۷۱

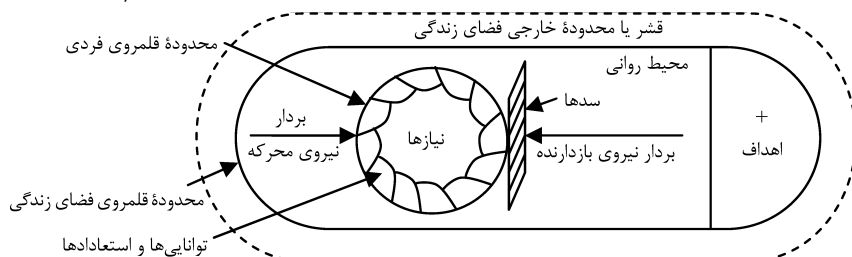
ت ۳. در این تصویر لویین مدل نیازهای انسان را همچون یک میدان زیستی می‌بیند که محدوده‌های فردی شامل توانایی‌ها، و محدوده‌های زیستی متشکل از مواع، هدف زندگی، بردار نیروی محرکه و بردار بازدارنده، میدان زندگی را تشکیل می‌دهد که تغییر در هر عنصری می‌تواند همه میدان را تغییر دهد. مأخذ: Lewin, "Defining the "Field at a Given Time", 1943.

حال تعادل خارج و آن را سخت می‌کنند. هم نیازهای مادی و هم نیازهای معنوی باید میزان و اندازه‌ای داشته باشند تا زندگی متعادل تأمین شود.^{۸۳}

خواست‌ها از نیازهای انسان به راحتی قابل تفکیک نیستند، به گونه‌ای که در نظر بسیاری از نظریه پردازان در امتداد نیازها و همراه آن‌ها هستند و حتی گاهی آن‌ها را با مفهومی تحت عنوان خواست- نیاز بیان کرده‌اند. نیازها و خواست‌ها با هم رابطه‌ای دوسویه دارند و بر هم تأثیر می‌گذارند و از هم تأثیر می‌پذیرند. این دو به تنهایی در پهنه زندگی حضور ندارند، بلکه اغلب با هم ترکیب می‌شوند و به صورت ترکیبی بروز می‌کنند. در یک زمان معین پاره‌ای از نیازهای فرد فعال هستند و این امر به وضع فیزیولوژیک شخص و وضعیت محیط و افکار او بستگی دارد.^{۸۴} نیازها و خواست‌ها می‌توانند جنبه دوگانه داشته باشند و برخی از نیازها با حضور برخی خواست‌ها امکان حضور ندارند و برعکس برخی خواست‌ها با حضور برخی نیازها امکان حضور ندارند. ترکیب نادرست آن‌ها می‌تواند برای انسان حرکت منفی را ایجاد کند و ترکیب درست آن‌ها به ارتقای انسان کمک می‌کند.

۲.۳. نظریه‌های میدانی

دومین بخش نظریه‌های نیاز تحت عنوان «نظریه‌های میدانی» شناخته می‌شوند. این نوع نظریه‌ها، فضایی است و دستاوردهای آن بسیار قابل استفاده در حوزه معماری هستند. در ضمن نگرش کلی‌گرای آن‌ها به گونه‌ای است که می‌تواند به ما در جمع‌بندی مفهوم نیاز و خواست کمک شایانی کند.



ارضا نکردن نیاز ارتباط به معنی ایجاد خشم در انسان نیست. او در یک جدول بندی رابطه شدت نیازها و ارضای آن را بررسی می‌کند و بدین نتیجه می‌رسد که درجه ارضای هر نیاز وابسته به قدرت خواست است و برای نیازهای مختلف متفاوت است. گاه در یک سیر، خواست‌های متفاوت با وجود نیازهای یکسان پدیدار می‌شود. به نظر او ارضای کم نیازهای رشد می‌تواند نتیجه خواست زیاد نیازهای وابستگی و نه نتیجه ارضا نشدن نیاز وابستگی و تعلق^{۷۸} باشد. او معتقد است حتی اگر در حد مطلوب برخی نیازها ارضا شوند، باز هم قدرت نیازها افزایش پیدا می‌کنند و این برخلاف نظریه مازلو است که به کاهش نیازها پس از ارضا معتقد است.^{۷۹} در نظریه «ای آر جی» تأکید کمتری به سلسله مراتب نیازها و نظم آن شده است. در هر لحظه ممکن است فرد تحت تأثیر بیش از یک نیاز باشد. ارضای یک نیاز ممکن است باعث شود فرد به نیاز مراتب بالاتر توجه کند یا برای او نیاز مرتبه بالا اهمیتی نداشته باشد. نظریه آلدرفر یا همان تئوری «ای آر جی»، تقسیم بندی نیازها مبتنی بر سه نیاز اساسی در آدمی یعنی نیازهای زیستی^{۸۰}، وابستگی^{۸۱} و رشد^{۸۲} است. بنا بر این نظریه پردازان در تفکدهای مذکور به ارتباط نیازهای مادی و معنایی با هم معتقدند و ثابت می‌کنند تفکیک و مرز بندی بین نیازها امری نادرست است.

۳.۱.۵. جمع بندی و نتیجه گیری نظریه‌های مازلو و شارحان

از جمع بندی نظریه مازلو به این نتیجه می‌سیم که، نیازهای معنوی و روحانی تحت عنوان خواست در این پژوهش و در برخی پژوهش‌ها، مفهومی پنهان در نظریه مازلو و به طور کلی در نظریه‌های نیاز/ انگیزش است و این مفهوم در کنار نیاز جسمانی مفهومی اساسی در نیازهای انسان به شمار می‌رود. زندگی کیفیتی است که در آن از یک سو، نیازهای فیزیکی انسان و از سوی دیگر، خواست‌ها و نیازهای معنوی و روحانی او قرار دارند. هر کدام از این‌ها از حد خود فراتر روند، زندگی را از



رفتارها، عملکردی از میدان زیستی در زمان وقوع آن هستند و یک میدان چنین تعریف می‌شود: «کلیتی از واقعیت‌های سازگار با هم که چنانچه عناصر به هم وابسته انگاشته می‌شوند».^{۹۰} همان‌طور که می‌بینیم لوین نیاز و خواست را با هم در انسان مؤثر می‌داند. او نیاز را مجموعه‌ای از نیاز و خواست قلمداد می‌کند و در واقع با توجه به نظریه میدان، خود انسان میدانی از نیاز و خواست است که، در واقع تجزیه‌نشده است و یک واحد را تشکیل می‌دهد که در درون تأثیرات میدانی دارد. چنان‌که اذعان می‌دارد رفتار ترجیحات روحی و معنوی (خواست) در کنش با توصیفات یا صفت‌های فیزیولوژیک و جسمانی از یک میدان است.^{۹۱}

۳.۲.۲. نظریه کارل راجرز

در این راستا نظریه کارل راجرز^{۹۲} نیز مواردی را ذکر می‌کند. او معتقد است اعمال و رفتار اساساً ناشی از توجه ارگانسیم به هدف برای برآوردن نیازها و یا توجهی است که در میدان ادراکی زندگی عملاً احساس و ادراک شده‌اند.^{۹۳} مقصود راجرز این است که اولاً نیازها با هم بستگی دارند و ثانیاً رفتار در درجه اول پاسخ به انگیزه‌هایی است که برآمده از تصور انسان از «خود» است و بر اساس ارزش‌ها و سمبل‌های^{۹۴} انسان پایه‌گذاری می‌شود.^{۹۵} بنا بر این او نیز نیاز و خواست را در یک کل می‌بیند و متأثر از نگرش انسان می‌داند. چرا که معتقد است پس‌زمینه‌ای که انسان از خودش دارد بر برداشت او از خودش تأثیر می‌گذارد. او این معنی را «میدان ادراکی» می‌نامد.

۳.۲.۳. جمع‌بندی نظریه‌های میدانی

در نظریه‌های میدانی، بیشتر بر مفاهیم و معنای کلی از نیازها تأکید گردیده است و مفهوم عوامل معنایی و خواست در این نوع تأثیر بیشتری بر کلیت زندگی انسان دارد. به همین دلیل، این نظریه‌ها توجه کل‌گرایان و فرم‌گرایان را برانگیخته است، اما با

ابتدا به اختصار در مورد نظریه‌های میدانی سخن گفته می‌شود و سپس در مورد دو نظریه اصلی نیاز شامل نظریه لوین و نظریه راجرز بحث می‌شود. تئوری میدانی را در قرن ۱۹ روان‌شناسان گشتالت از حوزه فیزیک وارد حوزه روان‌شناسی کردند. لوین در ۱۹۳۸، آن را در رابطه با رفتار انسان سامان داد. فرم‌گراها، یعنی کسانی که فرم را مهم‌تر از راحتی و عملکرد می‌دانستند، به این روان‌شناسی در معماری، به دلیل داشتن پایه‌های مفهومی و فضایی، توجه کردند. در نهایت روان‌شناسی پویایی بر ایده لوین از رفتار پایه‌گذاری شد.^{۸۵} ارزش این نظریه‌ها به کل‌گرایی آن‌ها در خصوص مبانی انسانی و ارتباط میدانی عناصر شکل‌دهنده آن‌ها بود.

۳.۲.۱. نظریه کورت لوی^{۸۶} (۱۹۴۳)

لوین در نظریه میدان خود، انسان را با اشکال هندسی مجسم می‌کند. او فرد را به صورت یک دایره و محیط روانی اطراف او را با یک بیضی مشخص می‌کند. در نمودار لوین، در دایره‌ای که نمودار فرد است، دایره‌های کوچک‌تری رسم می‌شوند که نشان‌دهنده اجزای موجود در شخص مثل منطقه حس و حرکت و یا منطقه شخص درونی است. همین‌طور محیط روانی نیز از مناطق مختلف تشکیل می‌شوند.^{۸۷} لوین اعلام می‌دارد که هر فرد یک واحد تقسیم‌نشده است. به نظر او فضای زندگی^{۸۸} فضای همین لحظه نیست، بلکه فضایی پویا است که، مدام در حال تغییر است و کلیت آن در تمام تضادها و تفاوت‌ها پدیدار می‌شود. فضای زندگی جمع حوزه‌های متفاوت در زندگی حقیقی است که، انسان می‌تواند در آن حرکت کند و بر هم تأثیراتی شبیه یک میدان پویا داشته باشد. رفتار همیشه به سمت هدفی می‌رود یا نسبت به حوزه‌ای دافعه دارد. بنا بر این به یک نیروی جهت‌دهنده نیازمند است.^{۸۹} به نظر او تجزیه و تحلیل علمی یک کل برای نمایاندن تمایز بین بخش‌های ترکیب است، و این رفتار حقیقی یک کل نیست. در تفکر لوین، انسان و موجودیت رفتار او نیز یک کل تجزیه‌نشده است و مانند یک میدان پویا است. به نظر او

۹۲. Lawer & Suttle, ibid. نک:

۹۳. Hall & Nougaim, ibid. نک:

۹۴. Wanous & Zwany, ibid. نک:

۹۵. نک:

Maslow, *Motivation and Personality*.

۹۶. نک:

Alderfer, "An Empirical Test of a New Theory...".

77. need satisfaction reduce desire

78. Alderfer, "Existence, Relatedness, and Growth...", pp. 18-20.

۹۹. محمود ساعتچی *روان‌شناسی کار*، ص ۲۰.

80. Existence

81. Relatedness

82. Growth

۸۳. طبق نظر SDT از حد خارج شدن خواست‌ها خطر بیشتری دارد، زیرا تنش شدید در زندگی ایجاد می‌کند و سرطان زیستی پدید می‌آورد و اگر خواست یک فرد، حتی اگر خواست محبت باشد، از حد بگذرد، می‌تواند موجب ناراحتی برای خود فرد و دیگران شود.

۸۴. رحیمی نیک، همان، ص ۵۷.

۸۵. نک:

Robert E. Shaw & Endre E. Kadar, "Toward an Ecological field Theory of Perceptual Control of Locomotion".

86. Kurt Lewin

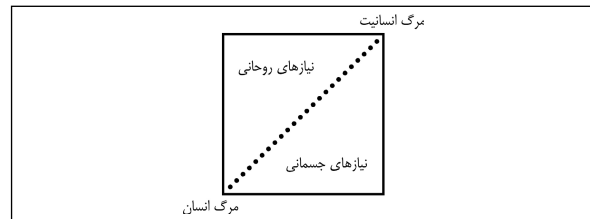
87. Miner, *Organizational Behavior: Behavior 1: Essential Theories of Motivation and Leadership*, pp. 39-40.

88. life space
89. Kullervo Rainio, *Kurt Lewin's Dynamical Psychology Revisited and Revised*, p. 284.
90. Kurt Lewin, *The Conceptual Representation and the Measurement of Psychological Forces, Contributions to Psychological Theory*, p. 114.
91. Lewin, *ibid*, p. 89.
92. Carl Ransom Rogers (1902 - 1987).
۹۳. علی اکبر سیاسی، همان، ص ۲۲۴.
۹۴. نمادهای مفهومی
۹۵. نک:
P. Barry, *Mental Health and Mental Illness*; James O. Prochaska & John C. Norcross, *Systems of Psychotherapy: A Transtheoretical Analysis*.
۹۶. نک:
Kullervo Rainio, "Discrete Process Model for Quantum Systems of Matter and Mind".
97. Discrete Process Model
- ت ۴. طیف نیازها و خواست‌های انسانی: این تصویر دیاگرام طیف نیازهای فیزیکی (نیاز) و نیازهای روحی - روانی (خواست‌ها) در زیست انسان را شامل می‌شود که در صورت به صفر رسیدن هر کدام از آنها، وجود انسانی به مرگ و عدم می‌رسد. مأخذ: نگارنده

میدان فضای زندگی است. نیازهای جدا از هم ممکن است با هم ترکیب شوند و نیاز تازه‌ای ایجاد کنند. مثلاً در بعضی افراد نیاز خوردن ممکن است با نیاز جلب محبت و تعلق آمیخته شود. رفتار جنسی هم ممکن است ناشی از آمیخته شدن نیازهای بسیاری چون نیاز به تعلق و... باشد.

کم یا زیاد شدن خواست و نیاز در صورت‌بندی میدان زیست به نگرش بستگی دارد و می‌تواند بر کلیت شکل گرفته از میدان تأثیر گذارد و میدان زیست را متحول کند. عیب هر کدام، اعم از نیاز یا خواست می‌تواند کل میدان زیست را از کار بیاندازد. نبود نیاز، مرگ بدن و نبود خواست مرگ معنوی میدان را تولید می‌کند.^{۱۰۱}

انسان می‌تواند میدانی زیستی شامل تنوع وسیعی از نیازهایی با سطح بسیار کم (در حد حفظ وجود فیزیکی^{۱۰۲}) و خواست‌هایی با سطح بسیار زیاد تا نیازهایی با سطح بسیار زیاد و خواست‌هایی با سطح بسیار کم (در حد حفظ وجود معنوی و نیروی حرکتی زیستی^{۱۰۳}) داشته باشد. از این رو با جمع‌بندی صحبت‌های مربوط به نیاز به دیاگرام و طرح‌وارهٔ نیاز-خواست می‌رسیم که، نشان می‌دهد بین دو نیاز حدی فرضی برای فهم وجود دارد و در واقع این دو با هم میدان زیستی انسان را سامان می‌دهند. نه‌تنها نبود هر کدام از نیازها زیستی انسان را سبب می‌شود، بلکه رشد نامتعادل نیاز و خواست در زیست انسان نیز می‌تواند ترکیب زیستی نادرستی ایجاد کند. به تعبیری، اگر خواست یا نیاز به صورتی نامتعادل رشد کند و متناسب با ظرفیت زیستی انسان نباشد، نه تنها ترکیب زیستی مثبتی ایجاد نمی‌کند، بلکه خطراًفرین خواهد بود.^{۱۰۴}



این همه، در این نوع از نظریه‌ها تأثیر متقابل کل بر نیازهای انسانی ثابت گردیده است. در نظریه‌های میدانی بین نیازهای مادی و معنوی تفکیک چندانی نیست. تنها تحقیق رینو^{۹۶} که نظریه‌ای جدید تحت عنوان DPM^{۹۷} را بیان می‌کند و با پژوهش بر روی نظریهٔ لوین و نظریه‌های میدانی انجام‌شده بین عوامل معنایی و رفتار فیزیکی تفاوت قابل شده است.^{۹۸} با این همه، در این نظریه‌ها مفهوم نیاز و خواست در هم تنیده هستند و در ضمن این تئوری‌ها ثابت می‌کنند که مجموع نیازهای مادی و معنوی انسان یک میدان زیستی تشکیل می‌دهد.

۴. تحلیل و تفسیر نظریه‌های روان‌شناسی

نظریه‌های روان‌شناسی که بررسی گردید شامل دو گروه هستند، چرا که بر دو بخش زیست انسان متمرکز شده‌اند. چنان که نظریهٔ مازلو بیشتر بر عملکرد زیستی و نیازهای فیزیولوژیکی انسان و نظریه‌های میدانی بر فرم زیست و نیازهای معنوی و خواست انسان تأکید دارند، اما از بررسی آن‌ها به خوبی درمی‌یابیم که این دو نظریه در بطن خود، نیاز و خواست را دارند. در ضمن با جمع‌بندی این دو نظریه می‌توان به نتایج زیر رسید.

خواست و نیاز دو ساختار اساسی در رفتار و زندگی انسان هستند که در یک موجودیت کلی و واحد نقش بازی می‌کنند. نیازهای فرد تحت تأثیر افکار، احساسات و خصوصیات فرد قرار می‌گیرد. تصور شخص از خود موجب می‌شود بعضی نیازهای او اهمیت بیشتری پیدا کند. بسیاری از رفتارهای انسان‌ها تنها در جهت رفع نیازهای ابتدایی نیست، بلکه صیانت ذات نیز سهم مهمی دارد.^{۹۹} خواست گرچه در زندگی برخی از مردم تأثیر مهمی ندارد، اما برای برخی نقش بسیار مهمی در زندگی‌شان دارد.^{۱۰۰} خواست و نیاز را نه‌تنها نمی‌توان از هم جدا کرد، بلکه در نهایت وجودی واحد نیز می‌سازند. این دو بر هم تأثیر می‌گذارند و یک میدان زندگی (شامل میدان ادراکی و محیط) از آن دو پدیدار می‌شود که در کل، عوامل زیستی را صورت می‌بندد. این

۵. جمع‌بندی: تأثیر مفهوم‌های خواست و نیاز در معماری

از آنجا که معماری ابعادی از زندگی انسان را در خود جای می‌دهد، بنا بر این ناگزیر باید در حوزه انسان بازشناخته شود. این مطلب در روان‌شناسی محیط نیز تأکید شده است.^{۱۰۵} معماری نه تنها باید انسان را در نظر گیرد و زندگی او را سامان دهد، بلکه باید بر اساس شناخت و معرفت فرهنگی، اجتماعی، و تاریخی سامان یابد. معماری، این فرایند وابسته به انسان، نیازمند پهنه‌ای از خواست‌ها و نیازها است که در بستر تاریخی- فرهنگی (زمان و مکان و باور) انسان شکل گرفته باشد.

از آنجا که انسان، مجموعه‌ای از نیاز و خواست است، پس معماری نیز فرایندی وابسته به این دو است. این فرایند هنگام اندیشیدن به رفع نیازها، عملکرد درونش سامان می‌یابد و زمان تفکر به خواست‌ها، فرم درونش نظم می‌گیرد. چنان که بیان شد این انفکاک در علوم روان‌شناسی نیز موجب گردید گروهی از نظریه‌های روان‌شناسی به عملکرد زیستی و گروهی به فرم زیستی توجه کنند. همان‌گونه که نیاز و یا خواست بیش از حد ظرفیت وجودی، می‌تواند ترکیب زندگی انسان را به هم ریزد، فضای زندگی او را نیز می‌تواند بر هم زند و معماری او را نامتعادل کند. این مطلب در تاریخ معماری به‌وضوح مشهود است، چنانچه گاه فرم (نمود خواست یا نیازهای معنایی انسان در معماری) آن قدر مهم می‌شود که زیست انسان در فضاها را دچار مشکل می‌کند و گاه عملکرد (نمود نیازهای زیستی در معماری) آن قدر بیش از حد بروز می‌کند که فرم و معانی در لابلای فضاها گم می‌شود و ایجاد سردرگمی می‌کند.

هر دستگاه یا نظامی در ترکیب عناصر خود و روابط بین آن‌ها نظامی ویژه تشکیل می‌دهد که طبق قانون گشتالت ساختارهای خاص خود را تولید می‌کند و حتی عناصر خویش و کمیت و کیفیت حضور و ترکیب آن‌ها را نیز متحول می‌کند. بنا بر این کیفیت و کمیت حضور نیازها و خواست‌ها در دستگاهی

98. Rainio, *Process Model for Quantum and Mind Systems*; "Discrete Process Model for Quantum Systems of Matter and Mind"; Kurt Lewin's *Dynamical Psychology Revisited and Revised*.

۹۹. رحیمی نیک، همان، ص ۵۶.

100. Jonathan Lear, *Aristotle: the Desire to Understand*, p. 1.

۱۰۱. رحیمی نیک، همان، ص ۵۳.

102. Existance

103. Growth

۱۰۴. خواست بیش از حد انسان‌ها حتی اگر محبت بیش از حد و یا خواست قدرت بیش از حد و یا صیانت ذات بیش از حد باشد، می‌تواند با ایجاد خطرات زیستی انسان را در حد خون‌خواران جهان ناشایست کند، در خصوص نیاز نیز چنین است، گرسنگی بیش از حد می‌تواند موجب دزدی کردن انسان شود و...
۱۰۵. نک:

Maurice Broady, "Social Theory in Architectural Design"; Alan Lipman, *The Architectural Belief System and Social Behavior*; Howard N. Boughey, "Blueprints for Behavior"; Brent Brolin, *The Failure of Modern Architecture*.

۱۰۶. آنتونی سی آنتونیادس، *بوطیقای معماری: آفرینش در معماری*، ص ۲۱.

۱۰۷. نک: کریستوفر الکساندر، *معماری و راز جاودانگی*.

متشکل از این دو متفاوت خواهد بود. تفاوت کیفیت شکل‌گیری فضای آن‌ها خود منجر به تولید نظام فضایی ویژه‌ای می‌شود. به طور مثال، ساختار فضایی برای خوردن که نیاز انسان است در فرهنگ یا خواست بوداییان یا هندوها با فرهنگ مدرن و یا حتی فرهنگ ایران کهن بسیار متفاوت دیده می‌شود. حتی کارکرد نیز در این فرایند متحول می‌شود؛ به طوری که نه تنها فضا، بلکه حتی عملکرد خوردن، اهمیت حضور آن در فضا، و تقدم فضایی شکل‌گیری متحول می‌گردد. معماری نظامی از خواست و نیاز انسان است، پس معمار هر فضا ناگزیر به شناخت هر دو مفهوم، به منظور شکل‌دهی به آن فضا است و نمی‌تواند تنها به شناخت نیازهای انسان و یا تنها به شناخت خواست‌های او اکتفا کند. این مهم می‌تواند تأثیر بسزایی بر معماران در مرحله شناخت و طراحی بگذارد. چنانچه در مرحله طراحی به موجودیتی دست یابند که هم فضایی برای بقای انسان و هم فضایی برای رشد معنوی او باشد. در معماری هم دو موضوع خواست و نیاز انسان باید متبلور شود، و هم باید جامع‌گرا باشد. لاباتوت معماری جامع‌نگر را این‌گونه بیان می‌کند: «یک معماری جامع‌گرا و کلی‌نگر، اساس کار خود را بر هر دو جنبه محسوس و نامحسوس می‌گذارد». معماری جامع‌گرا هرگز نباید به گزینش عوامل دست یازد، بلکه باید از هدف «کلیت به مثابه سمفونی» حمایت کند.^{۱۰۶} کریستوفر الکساندر نیز متوجه نیاز به جامع‌نگری شد و ملاحظه عناصر نامحسوس را شرط لازم معماری انسانی دانست.^{۱۰۷} پس معمار واقعی آن است که هنگام برپاداشتن مکان زندگی انسان در یک موقعیت، آن دو سو (ماده و معنا یا نیاز و خواست) را به تعادل برساند. مقصود از تعادل، صرفاً سکون یا عدم تحرک نیروهای متقابل نیست، بلکه حالتی است که دو سوی ظاهراً متقابل متناهی و نامتناهی معماری از راه ایفای نقش حقیقی خود به وحدت کامل برسند، به گونه‌ای که هریک آشکارکننده و مستلزم دیگری باشد.^{۱۰۸} تجربه و زندگی انسان، کیفیتی ترکیبی دارد. بنا بر این معماری به مثابه فعالیتی «ترکیبی» باید خود را



با شکل زندگی در هویت تمامیتی معنادار تطبیق دهد.

هر ساختار زیستی در زندگی، و ما به ازای آن در معماری، حاوی خصوصیات است. شناخت دقیق خصوصیات این ساختارها می‌تواند به زندگی و در امتداد آن به معماری کمک رساند تا هوشمندانه هر جا که لازم باشد به انتخابی صحیح منجر شود و فرایندی پایدار در فضای انسانی و روش زندگی^{۱۰۹} ایجاد کند. دقت در ایجاد ساختارهای صحیح و متعادل معماری مبتنی بر خواست و نیاز به همراه رابطه با محیط می‌تواند بسیاری از مشکلات را حل کند و پایداری انسانی را به فضای زندگی انسان بازگرداند، به گونه‌ای که هر جزء زیست، بخش دیگر را تکمیل و به غنای آن کمک کند. از آنجاکه هر جزء زندگی می‌تواند بر کل مؤثر واقع شود، بنا بر این نادیده گرفتن هر بخش می‌تواند دید کلی به نظام خواست و نیاز و روابطش با محیط و در پیامد آن کلیت فضایی زیست را مخدوش کند.

اگر نظام خواست‌ها و نیازها نظامی همگن باشد، یعنی عناصر آن در سازگاری با هم به سر برند در این صورت این نظام می‌تواند دارای صفاتی مانند خودایمنی، مانایی (پایداری) و پویایی باشد. بدین صورت که، اگر نظام خواست‌ها و نیازها در سازگاری با هم باشند، مدام در حال تولید و تأثیر بر هم قرار می‌گیرند. این دو نظام مدام یکدیگر را تولید می‌کنند به گونه‌ای که رشد و توسعه یکی موجب رشد دیگری می‌شود. به طور مثال در نظام سنتی، خواست‌ها در هنر زندگی متبلور بودند و این موجب می‌شد محصولات هنری نه‌تنها به رفع نیاز، بلکه به افزایش مبانی مفهومی و معنایی نیز کمک کنند. بنا بر این نظام زیستی متشکل از خواست و نیاز در هر جایی که رشد کند، موجب افزایش قدرت نظام زیستی می‌شود و هر دو پهنه زیستی را بهینه می‌کند. معماری سنتی نیز نظامی دارد که، در آن خواست و مفاهیم نیز، به صورت کاملاً واقع‌گرایانه، جزئی از فضا شده است. درها و شیشه‌های رنگی و آوردن حس زندگی به فضا، ایجاد انعکاس آب در سقف اتاق و پدیدار کردن معنای آب در تفکر فرهنگی، ارائه قابی از آسمان در فضای معماری، و تبلور مفاهیم ماورایی زندگی در فضا، همه و همه حاکی از آن است که

اتفاق در این نظام تنها فضایی برای خوردن و خوابیدن و یا یک نظام عملکردی صرف نیست، بلکه نظامی از خواست و نیاز انسانی است که در آن زیست می‌کرده، به هم‌زیستی بین خواست‌ها و نیازهای دست می‌یافته و به معنادار کردن کمیت‌های زیستی در فضا از طریق فرم می‌پرداخته است. اما در برخی نظام‌ها، که شاید بخشی از معماری امروز ایران بتواند مثالی از آن باشد، نظام خواست‌ها و نیازها ناهمگن عمل می‌کنند که، خود بدان سبب است که یا نظام زیستی امروز خواست‌ها و نیازها ناهمگن هستند و یا ما با دو دستگاه زیستی ناهمگن زندگی خود را پیش می‌بریم، مثلاً در زندگی روزانه محصولات زندگی ما خواست‌های ما را پیش نمی‌برند و ما مجبور به رفع آن‌ها در جای دیگری هستیم.^{۱۱۰} اما به سبب اینکه این عوامل نیازهای معماری با خواست‌های ما از فضا همگن نشده‌اند، هر عنصر نمی‌تواند جایگاه خود را در زیست ما و به تبع آن در معماری بیابد. همه این‌ها موجب می‌شود نظام معماری امروز ما خودایمنی نداشته باشد، هر محصولی در آن جدایی بین اجزای منجر شود و فرم و عملکرد زیستی به دو معنای ناهمگن و نامتجانس بدل شود؛ به گونه‌ای که با استانداردها و عملکردهای زیستی شکل گیرد و فرم یا زیبایی تنها در معنای زیبایی بدون هویت عمیق معنایی^{۱۱۱} بروز می‌یابد. راه حل برون‌رفت از این سردرگمی تنها در این است که انسان دو سوی نیاز و خواست خود را به نظامی همگن بدل کند تا معماری نیز در دو زمینه فرم و عملکرد (نمود نیاز-خواست‌های انسان در معماری) به نظامی همگن دست یابد و موجودیت حقیقی ارتباط این دو معنا به معماری برگردانده شود. لازم به ذکر است که این اتفاق در فضای معماری باعث می‌شود معماری به نظامی خودایمن برای رشد و زندگی بدل شود و پایایی و پویایی خود را تضمین کند و موجب ایجاد نظام پایدار انسانی در فضا می‌شود. در واقع در این حالت پایداری انسانی در فضا تولید و خود فضا حاوی روح می‌شود و به بیان بهتر پایداری زیستی در فضا ایجاد می‌گردد. با کمک این پایداری هیچ بخشی از فضا بخش دیگر را حذف نمی‌کند، یا نادیده نمی‌گیرد، بلکه همه پهنه زندگی در فضا

۱۰۸. نک: محمدرضا رحیم‌زاده، بودن، اندیشیدن، برپاداشتن: تأملی در منشاء معماری.

109. Life style

۱۱۰. عیسی حجت، سنت و بدعت در آموزش معماری.

111. Aesthetic

منابع و مآخذ

- آنتونیادس، آتونی سی. *بویطقای معماری: آفرینش در معماری*، ترجمه احمدرضا آی، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
- الکساندر، کریستوفر، *معماری و راز جاودانگی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۸۱.
- الوانی، سیدمهدی. «پژوهشی در زمینه رابطه بین برخی از مشکلات سازمان‌ها با عدم ارضای نیازها»، در مقاله‌هایی درباره رفتار سازمانی و انگیزش، چاپ اول، تهران: مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۴۵.
- جاسبی، عبدالله. *اصول مدیریت*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد، ۱۳۶۵.
- حجت، عیسی. *سنت و بدعت در آموزش معماری*، پایان نامه دکترای معماری، دانشگاه تهران، گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۰.
- حجت، مهدی. *مبانی شکل‌گیری فضا، جزوه درسی*، ۱۳۸۶.
- رحیم‌زاده، محمدرضا. *بودن، اندیشیدن، برپا داشتن: تأملی در منشاء معماری*، پایان نامه دکترای معماری، دانشگاه تهران، گروه معماری دانشکده هنرهای زیبا، ۱۳۸۳.
- رحیمی نیک، اعظم. *تئوری‌های نیاز و انگیزش*، تهران: دانشگاه آزاد، ۱۳۷۴.
- ساعتچی، محمود، *روان‌شناسی کار*، تهران: سازمان و مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۹.
- سیاسی، علی‌اکبر. *نظریه‌های مربوط به شخصیت*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- کرج، دیوید و ریچارد اس. کراچفیلد و اجرتون ال. بلاکی. *فرد در اجتماع*، ترجمه محمود صناعی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۴۷.
- مازلو، آبراهام. *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. *گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان*، ترجمه ویدا نوروز برازجانی، تهران: نشر جان جهان، ۱۳۸۲.
- Abramson, L.Y. & M.E.P. Seligman & J.D. Teasdale. "Learned Helplessness in Humans: Critique and Reformulation", in *Journal of Abnormal Psychology*, No. 87 (1978), pp. 49-74.
- Alderfer, Clayton P. "Existence, Relatedness, and Growth: Human Needs in Organizational Settings", in *Business & Economics*, University of California, 1972.
- _____. "An Empirical Test of a New Theory of Human Needs, Organizational Behavior and Human Performance",

متبلور می‌شود. قدرت اقتصادی می‌تواند به عرضه نیازها در کنار خواست‌ها کمک کند و اجازه ندهد در معماری از عملکردها فرم‌ها و از فرم‌ها ساختارها مجزا جلوه کنند. بدین صورت سازمان انسانی معماری، نظامی درهم تنیده از رابطه عمیق انسان با فضا می‌شود و در دستیابی به سرزندگی و زندگی پرشور کمک می‌رساند.

یکی از مشکلات در شناخت معماری به دلیل خاصیت تفکری مجزاسازی در دنیای مدرن، شناخت معماری با اجزای^{۱۱۲} آن است؛ به گونه‌ای که به مرور، شناخت نسبت به معماری به بخشی^{۱۱۳} از تعریف کلی معماری محدود شده است. به منظور حل این مسئله تلاش پدیدارشناسی برای بازگرداندن شناخت کلی از پدیده‌ها نیز می‌تواند راه حل مناسبی را موجب شود. شولتز معتقد است که، از طریق پدیدارشناسی محیط زندگی روزمره امکان «کشف مجدد عالم به مثابه تمامیتی از کیفیات متعامل و واقعی» فراهم و همراه با آن «توسعه مجدد حس احترام و توجه به چیزها» ممکن می‌شود.^{۱۱۴}

معماری بدان سبب که نظامی از خواست و نیاز است و فضای زیستی متشکل از خواست و نیاز خود یک کل پویا است، بنا بر این معماری نیز یک کل پویا و انعطاف‌پذیر خواهد بود که، بر عناصری چون خواست و نیاز پایه‌گذاری شده است. بنا بر این به گفته شولتز با «تأثیر متقابل نیروهای دایم‌التغییر» روبه‌رو است.^{۱۱۵} بنا بر این در صورتی که یک معماری بتواند امکانات فضایی را در اختیار انسان قرار دهد تا او نیز بتواند انعطاف‌پذیری‌های لازم را براساس خواست و نیازش تجربه کند، در این صورت می‌تواند غنی‌تر شود و توانایی فضایی خویش را افزایش دهد. چنانچه فضا به گونه‌ای طراحی شود که بتواند امکانات بیشتری برای نیازهای معنوی انسان داشته باشد و این گونه او بتواند به ارتقای بیشتری برسد و نیز همین امر را در مورد نیازهای جسمانی نیز به اجرا درآورد، در این صورت معماری می‌تواند علاوه بر آنکه نظامی پیوسته از نیازها و خواست‌های انسان را سامان دهد، ارتقای زندگی انسان را در خود داشته باشد. در این صورت معماری نظامی پویا و گسترده از خواست‌ها و نیازها خواهد بود.

۱۱۲. فرم و عملکرد و ساختار.
۱۱۳. عملکردگرایی یا فرم‌گرایی و یا نگرش تکنولوژیک صرف به معماری.
۱۱۴. کریستیان نوربرگ-شولتز، *گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان*، ص ۴۰.
۱۱۵. همان، ص ۴۳.



Human Behavior, New York: Plenum, 1985.

_____. "A Motivation Approach to Self: Integration in Personality", in *Nebraska Symposium in Motivation*, Vol. 38. Lincoln: University of Nebraska Press, (1991), pp. 237-288,

_____. "The 'What' and 'Why' of Goal Pursuits: Human Needs and the Self-determination of Behavior", *Psychological Inquiry*, Vol. 11, no. 4, University of Rochester, 2000,

Hall, C.S. & G. Lindzey. *Theories of Personality*, N. Y: John Wildly & Sons, 1967.

Hall, D.T. and K.E. Nougaim. "An Examination of Maslow's Need Hierarchy in an Organizational Setting", in *Organizational Behavior and Human Performance*, no. 3 (1968), pp. 12-35.

Herzberg, F. & B. Mausner & B. Snyderman. *The Motivation to Work*, New York: John Wiley and Sons, 1959.

Herzberg, F. *Work and the Nature*, Cleveland: The Work Publishing Company, 1966.

Herzberg, F. "One more time: how do you motivate employees?", in *Harvard Business Review*, vol. 46, iss. 1 (1968), pp. 53-62.

Huitt, W. *Maslow's Hierarchy of Needs*, Educational Psychology Interactive. Valdosta, GA: Valdosta State University. Retrieved 2007. from, <http://www.edpsycinteractive.org/topics/regsys/maslow.html>

Ivancevich, J.M. "Perceived Need Satisfaction of Domestic Versus Overseas Managers", in *Journal of Applied Psychology*, no. 53 (1969), pp. 274-278.

James, William. *Text-book of Psychology*, Macmillan: Oxford University, 1892.

Kasser, T. & R.M. Ryan. *Further Examining the American Dream: Differential Correlates of Intrinsic and Extrinsic Goals*, *Personality and Social Psychology Bulletin*, no. 22 (1996), pp. 80-87.

Kirchner, Wayne K. & Marvin D. Dunnette. *Psychology Applied to Industry*, Appleton-Century-Crofts, 1965.

_____. *Psicología Industrial*, Trillas, 1994.

Klineberg, Otto. *Social Psychology*, New York: Holt, 1954.

Lawer, E.E., & J.L. Suttle. "A Casual Correlation Test of Need

Yale University, no. 4 (1969), pp. 142-175

Alexander, Christopher. *The Nature of Order: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe*, The Center for Environmental Structure, 2002.

Allport, Gordon Willard, "Personality and Social Encounter", selected essays, Michigan: Beacon Press, 1960.

_____. *Pattern and Growth in Personality*, Michigan: Holt, Rinehart and Winston, 1961.

Bandura, A. "Human Agency in Social Cognitive Theory", in *American Psychologist*, no. 44 (1989), pp. 1175-1184

Barry, P. *Mental Health and Mental Illness*, 7th Ed, New York: Lippincott, 2002.

Boeree, C. G., 2005, Maslow's Hierarchy of Needs, retrieved: August 15, 2009, from <http://webspace.ship.edu/cgboer/maslow.html>

_____. *Maslow's Hierarchy of Needs*, Last Updated: August 15, 2009.

Boughey, Howard N. "Blueprints for Behavior", in *The Intentions of Architects to Influence Social Action Through Design*, doctoral dissertation, Princeton University, 1968.

Broady, Maurice, 1966, "Social Theory in Architectural Design", in *Arena*, no. 81: 898 (1966), pp. 149-154

Brolin, Brent. *The Failure of Modern Architecture*, New York: Van Nostrand Reinhold, 1976.

Carver, C.S. & M.F. Scheier. "The American Dream revisited: Is It What you Want or Why you Want it was Matter?", in *Psychological Science*, no. 9 (1998), pp. 289-292.

Clark, J.B. "Motivation in Work Groups: A Tentative View", in *Human Organization*, no. 133 (1960-61), pp. 198-208.

Daniels, M. *Maslow's Concept of Self-actualization*, 2001, retrieved 2004, from http://www.mdani.demon.co.uk/archive/MD_Maslow.htm

Davis. K. *Human Behavior at Work*, New York: Mc Graw Hill Co, 1972.

Deci, E.L. & R.M. Ryan. "The Empirical Exploration of Intrinsic Motivational Processes", in *Advances in Experimental Social Psychology*, New York, no. 13 (1980), pp. 39-80.

_____. *Intrinsic Motivation and Self-determination in*

- Mind Systems*, Research Reports 1/2008, Department of Social Psychology, Helsinki University. e-book, whole text available in address: <http://ethesis.helsinki.fi/julkaisut/val/sosps/muut/rainio2/>
- _____. "Discrete Process Model for Quantum Systems of Matter and Mind", in *World Futures*, Vol. 65, Issue 4 (May 2009a), pp. 270-303.
- _____. *Kurt Lewin's Dynamical Psychology Revisited and Revised*, Professor emeritus, Helsinki University, 2009b.
- Rotter, J. "Generalized Expectancies for Internal Versus External Control of Reinforcement", *Psychological Monographs*, Vol. 80. no. 1 (1966), pp. 1-28
- Shaw, Robert E. & Endre E. Kadar. "Toward an Ecological field Theory of Perceptual Control of Locomotion", in *Biological Psychology*, Vol. 12, no. 2 (2000), Lawrence Erlbaum Associates, Inc., pp. 141-180,
- Skinner, B.F. *Science and Human Behavior*, New York: Macmillan, 1953.
- Tang, Thomas Li-Ping, & W.B. West & A.H.S. Ibrahim. "The Importace of human Needs During Peacetime, Retrospective Peacetime, and the Persian gulf War", in *International Journal of Stress Management*, Vol. 4, no. 1 (1997), pp. 47-62, Vol. 5, no. 1 (1998), pp. 26-37.
- Thompson, Michael & Lawrence J. Cohen & Catherine O'Neill Grace. *Best Friends, Worst Enemies: Understanding the Social Lives of Children*, Ballantine Books, 2001.
- Vroom, V.H. *Work and Motivation*, New York: Wiley, 1964.
- Wahba, M.A. & L.G. Bridwell. "Maslow Reconsidered: A Review of Research on the Need Hierarchy Theory", in *Proceedings of the Thirty- third Annual Meeting of the Academy of Management*, 1973, pp. 514-520.
- Wanous, John P. & Abram Zwany. "A Cross-Sectinal Test of Need Hierarchy Theory", in *Originalizational Behavior and Human Perfoermance*, no. 18, pp. 78-97.
- William, Perry & Ralph Barton. *Essays on Faith and Morals*, New American Library, University of Michigan,
- Hierarchy Concept", in *Organizational Behavior and Human Performance*, no. 7 (1972), pp. 265-287
- Lawer, E.E. *Motivation in Work Organizations*, Monterey, CA: Brooks/Cole Publishing Co, 1973.
- Lear, Jonathan, *Aristotle: the Desire to Understand*, Cambridge University Press, publishing 2, 1999.
- Leavitt, Harold. *Managerial Psychology*, Chicago the University of Chicago Press, 1964.
- Lewin, Kurt. "Defining the "Field at a Given Time"", in *Psychological Review*, no. 50 (1943), pp. 292-310. Republished in *Resolving Social Conflicts & Field Theory in Social Science*, Washington, D.C.: American Psychological Association, 1997.
- _____. *The Conceptual Representation and the Measurement of Psychological Forces, Contributions to Psychological Theory*, 4, Durham, N.C.: Duke University Press, 1938.
- Lipman, Alan. *The Architectural Belief System and Social Behavior*, Dowden, Hutchinson & Ross, 1974, pp. 23-30.
- Maslow, Abraham Harold. *Motivation and Personality*, New York: Harper & Row, 1954.
- _____. *Organizaciones tema 4: la Motivación en el Trabajo*, Uniandes, Fac. de Adminstración, 1943.
- Mathes , Eugene W. *From Survival to the Universe: Values and Psychological Well-Being*, Chicago: Nelson-Hall, 1981.
- Miner, J.B. *Organizational Behavior: Behavior 1: Essential Theories of Motivation and Leadership*. Armonk: M.E. Sharpe, 2005.
- Murray, Henry Alexander. *Explorations in Personality: A Clinical and Experimental Study of fifty Men of College Age, By the Workers at the Harvard Psychological Clinic*, Wiley, 1938.
- Nohria, N. & P. Lawrence & E. Wilson. *Driven: How Human Nature Shapes our Choices*, San Francisco: Jossey-Bass, 2001.
- Prochaska, James O. & John C. Norcross. *Systems of Psychotherapy: A Transtheoretical Analysis*, seventh edition, United state of America, 2003.
- Rainio, Kullervo. *Discrete Process Model for Quantum and*